



نگاهی تحلیلی به فعالیت‌های یک سازمان تروریستی در جهان

القاعده تهدیدی برای امنیت جهان



محمد صادق امینی



تلاش‌شان را برای جلوگیری از ورود گروه‌های افراطی به اروپا و قلمرو خود به کار گرفته‌اند، ولی تازه‌ترین گزارش‌های منتشره در این خصوص حاکی از آن است که رشد سریع گروه‌های افراطی مرتبط با القاعده در "کاتالونیا" علاوه بر اینکه امنیت ملی اسپانیا را تهدید می‌کند، بلکه امنیت اروپا، آفریقای شمالی و خاورمیانه را نیز در معرض تهدید بزرگی قرار داده است.

بر اساس اظهارات مقامات ضد تروریسم اسپانیا، اتحادیه پلیس این کشور و اظهارات تعدادی از کارشناسان تروریسم، کاتالونیا تبدیل به کانون توسعه تروریسم در اسپانیا و مخصوصاً بزرگترین مرکز سربازگیری این گروه‌ها در قلب اروپا شده است. در همین خصوص "فرناندو رینارس" پژوهشگر اصلی و رییس "برنامه جهانی تروریسم" در انستیتوی "الکائو" و مشاور ویژه سیاست‌های ضدتروریستی در وزارت کشور اسپانیا در خلال سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۶ می‌گوید: "تحقیقات انجام شده در خصوص ۳۰۰ تروریست زندانی شده در اسپانیا از پایان دهه ۹۰ تاکنون، نشان می‌دهد که کاتالونیا بدون هیچ تردیدی مرکز فعالیت‌های افراطیون در کشور ما شده است." به باور رینارس تحقیقات نشان می‌دهد که کاتالونیا تبدیل به مکان ملاقات جهادیون شده و این در حالی است که بنابر اظهارات وی اگر تحقیقات به جای تعداد زندانیان بر روی تعداد بازداشت‌شدگان در این خصوص انجام شده بود، این آمار بسیار بیشتر می‌شد. بر اساس اظهارات مقامات دولتی و مطالعات گوناگون، اکثریت گروه‌های

ویلائی القاعده در اروپا!

یکی از نتایج ناخواسته مبارزه سازمان‌های اطلاعاتی غرب و مخصوصاً آمریکا با گروه‌های افراطی، پراکنده شدن آنها در سراسر جهان است. به باور بسیاری از کارشناسان مسایل بین‌المللی، تلاش آمریکا برای مبارزه با تروریسم نه تنها باعث نابودی تروریست‌ها نشده، بلکه موجب رشد و نفوذ آنها به سرزمین‌های اروپایی شده است. اقدامات غلط آمریکا در مبارزه با تروریسم نه تنها باعث ناامن شدن کشورهایی مانند عراق و افغانستان و تبدیل شدن آنها به بهشتی برای تروریست‌ها شده، بلکه سبب به دردسر افتادن متحدان اروپایی آمریکا در نبرد علیه تروریسم شده است. متحدانی که هیچ وقت تصور آن را نمی‌کردند روزی شاهد ورود تروریست‌ها به کشور‌هایشان برای بمب‌گذاری و انجام عملیات انتحاری باشند. کشورهای اسپانیا و ایتالیا که از متحدان اروپایی آمریکا محسوب می‌شوند، چند ماهی است که راه خود را از آمریکا در نبرد نظامی علیه تروریسم جدا و سربازانشان را از عراق خارج کرده‌اند؛ ولی القاعده این کشورها را به عنوان هدف جدیدی برای حملات تروریستی خود انتخاب کرده است. ایتالیا و اسپانیا که سیاستمداران‌شان تا پیش از این نگران اقدامات "مافیای" گروه تروریستی "اتا" بودند، در حال حاضر صاحب کابوس جدیدی شده‌اند: افزایش فعالیت‌های القاعده در سرزمین‌هایشان. هر چند که آمریکایی‌ها تمام

"جرج بوش" رییس جمهوری آمریکا و همدستانش همچنان کاخ سفید را پرچمدار مبارزه با تروریسم تلقی می‌کنند و بر این باورند که اقدامات پیشگیرانه سرویس‌های اطلاعاتی و نظامی این کشور بعد از ۱۱ سپتامبر مانع از ناامن‌تر شدن جامعه بین‌المللی توسط تروریست‌ها و مخصوصاً "القاعده" شده است. آنچه که از آن به عنوان "مبارزه با تروریسم" در رسانه‌های تبلیغاتی غرب نامبرده می‌شود، هر چند برای افکار عمومی ظاهری جذاب دارد، ولی آنچه که در تبلیغات از بیان آن خودداری می‌شود گسترش تروریسم در جهان است. واقعیت این است که حمله به کشورهای افغانستان و عراق بعد از حملات ۱۱ سپتامبر، هر چند با شعار "مبارزه با تروریسم" آغاز شد، ولی در واقع به گسترش آن انجامید. قبل از حملات آمریکا و متحدانش، تروریسم از عراق و افغانستان خارج نشده بود، ولی ۶ سال جنگ مستمر در این کشورها منجر به گسترش تروریسم به منطقه خاورمیانه، آسیای آفریقا و حتی اروپا گردید. در حال حاضر سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا در حال مبارزه با نسل جدیدی از تروریست‌ها به رهبری القاعده هستند. تروریست‌هایی که با تجربیات فراوانی که در عراق و افغانستان به دست آورده‌اند، به مبارزه با آمریکا در سایر نقاط جهان رفته‌اند. تروریست‌هایی که نه تنها تاکتیک‌های عملیاتی و استراتژی جنگ روانی خود را تغییر داده‌اند، بلکه برای شناسایی نشدن، شلوار "جین" نیز بر تن می‌کنند.

تروریستی افراطی در اسپانیا به انجمن‌های اسلامی در کاتالونیا به عنوان "بهشت امن" برای ساخت پایگاه‌های حمایت از ایدئولوژی‌های خود و مکانی برای تامین مالی و استخدام افراطیون انتحاری برای شورش در عراق و افغانستان و همچنین اهداف احتمالی در این کشور و سایر نقاط اروپا می‌نگرند.

به موازات گسترش فعالیت‌ها و حضور افراطیون در کاتالونیا، نیروی‌های ضد تروریسم اسپانیا نیز برای جلوگیری از گسترش تهدیدات، برنامه‌هایی را برای ضربه زدن به تشکیلات سلفیون به اجرا گذاشته‌اند. طبق این گزارش از سال ۲۰۰۱ بالغ بر ۳۱ درصد از تروریست‌های افراطی زندانی شده در اسپانیا فقط در کاتالونیا دستگیر شده‌اند که بیشتر آنها مراکشی هستند. کاتالونیا محل زندگی حدوداً ۳۰۰ هزار مهاجری است که در حدود یکصد هزار نفر آنها از مراکش هستند. ارزیابی‌های رسمی حاکی از آن است که آمار واقعی مهاجران مغربی حدوداً بیش از یک میلیون نفر است. بعد از بمب‌گذاری در ایستگاه راه آهن مادرید در ۱۱ مارس ۲۰۰۴ پلیس ملی این کشور در حدود ۲۰ تروریست افراطی را در کاتالونیا، مادرید و سایر مناطق اسپانیا دستگیر کرد. در جریان اطلاعاتی که از این افراد به دست آمد، پلیس در سال ۲۰۰۵ توانست ۵ تروریست افراطی را دستگیر کند که همگی آنها در بمب‌گذاری‌های ۱۱ مارس دست داشتند. در ماه مه همان سال نیز مقامات ضد تروریسم اسپانیا ۱۵ افراط‌گرا را که شامل ۱۳ مراکشی و ۲ الجزایری بود دستگیر کردند که برای اعزام سرباز به عراق، افغانستان و آفریقای شمالی اقدام به جذب نیرو می‌کردند. دولت اسپانیا بر این باور است که تروریست‌های دستگیر شده بخشی از شاخه مغربی القاعده در اسپانیا هستند.

نگرانی از گسترش تروریسم در قاره سیاه

دستگیری‌های جدید در موریتانی و برخی دیگر از کشورهای آفریقایی به جرم ارتباط با شبکه القاعده، نگرانی‌های فزاینده‌ای را در مورد آغاز موج جدیدی از حملات تروریستی علیه اهداف آمریکا و دولت‌های طرفدار غرب در این منطقه از جهان ایجاد کرده است. از نظر کارشناسان مسائل تروریسم، دستگیری‌های اخیر در این نقطه از شمال آفریقا (موریتانی) نشان می‌دهد که شبکه القاعده از برنامه‌های درازمدت و بلندپروازانه‌ای برای دسترسی به مناطق حضور آمریکا و غرب در سراسر جهان برخوردار است. توجهات به حضور القاعده در موریتانی زمانی برجسته‌تر شد که در ژوئن سال ۲۰۰۵ یک حمله تروریستی علیه تاسیسات نظامی این کشور انجام شد و دست کم ۱۵ نظامی در جریان آن عملیات کشته شدند. علاوه بر موریتانی، حملات تروریستی در کشورهای الجزایر، مراکش و تونس سبب نگرانی از افزایش اقدامات تروریستی در شمال و غرب آفریقا شده است. از نظر کارشناسان، گروه‌های تروریستی این منطقه همانند سایر گروه‌های تروریستی از حمایت‌های مالی و تشکیلاتی شبکه القاعده در منطقه قبایلی وزیرستان (واقع در پاکستان) برخوردار هستند و در این منطقه آموزش نظامی و ایدئولوژیک می‌بینند. به عقیده نهادهای اطلاعاتی غرب، ستیزه‌جویان به یک استقلال نسبی دست یافته و اخیراً اقدام به ایجاد اردوگاه‌های آموزش نظامی در مناطق مرزی موریتانی کرده‌اند. اما کارشناسان مستقل می‌پذیرند که دلیل نفوذ و حضور القاعده در این کشور و برخی دیگر از کشورهای آفریقایی، فقر و بی‌عدالتی گسترده‌ای است که بر این کشورها حاکم

است. از این رو مشاهده می‌شود که "شیخ عبدالله" رئیس جمهور جدید موریتانی، یکی از اولویت‌های خود را بازسازی هویت فرهنگی این کشور و پایان دادن به بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌های نژادی و قومی قرار داده است. از این گذشته، رئیس جمهور جدید در تلاش برای پاسخ دادن به تقاضاهای فزاینده مردم جهت بهبود استانداردهای زندگی خود و اختصاص بخشی از درآمدهای کشفیات جدید نفتی در این کشور به مردم است. اما در کنار این تلاش‌ها، موانعی نیز بر سر راه دولت جدید موریتانی وجود دارد که از جمله مهمترین آنها می‌توان به روابط گسترده این کشور با آمریکا و اسرائیل اشاره کرد، یعنی همان مسأله‌ای که شبکه القاعده در توجیه حملات خود علیه دولت موریتانی و اهداف غرب به آن متوسل شده است. اما در یک جمع‌بندی می‌توان اظهار داشت که ریشه دوانیدن القاعده در آفریقا را نمی‌توان تنها به آمریکا و اسرائیل ارتباط داد. در واقع، مجموعه‌ای از ناکامی‌های دولت‌ها در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عقیدتی سبب شده که بستر و زمینه مناسب‌تری برای القاعده یا هر گروه تندروی دیگری در قاره سیاه فراهم شود. به هر حال نفوذ و گسترش فعالیت‌های القاعده در آفریقا آن چنان شدید بوده که پنتاگون در تلاش برای جلب حمایت کشورهای آفریقایی برای احداث مقر جدید فرماندهی ارتش آمریکا در قاره آفریقا موسوم به AFRICOM است. هر چند که کشورهای آفریقایی نگرانی‌هایی از نیت پنتاگون در این خصوص دارند، ولی مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند که هدف آمریکا از حضور نظامی در آفریقا مبارزه با نفوذ القاعده و محافظت از تاسیسات نفتی در برابر حملات شورشیان است.



استراتژی تغییر چهره و پوشیدن شلوار جین

تصاویری که تاکنون از تروریست‌ها منتشر شده گویای هویت آسیایی، خاورمیانه‌ای و گاه آفریقایی آنها است ولی القاعده و گروه‌های افراطی فعال در اروپا و سایر کشورهای جهان برای جبران این نقطه ضعف خود استراتژی جدیدی به کار گرفته‌اند که بر مبنای سربازگیری و استخدام تروریست‌هایی استوار است که به واسطه تفاوت چهره توسط سازمان‌های امنیتی اروپا شناسایی نشوند. ارزیابی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که استراتژی جدیدی که عناصر القاعده در جهان به کار گرفته‌اند، غربی کردن سربازان تازه استخدام است به نحوی که آنها را بهتر با کشورهای هدف همسان کنند. بنابر تازه‌ترین گزارش‌های منتشر شده توسط کارشناسان مبارزه با تروریسم در جهان، عناصر فعال القاعده سربازان تازه استخدام را تشویق به پوشیدن شلوار جین و لباس‌های شیک می‌کنند و آنها را از بلند کردن ریش خود منع کرده‌اند. مرحله بعدی جدا کردن سربازان از زمینه فرهنگی و جامعه شناختی آنها با اعزام به شهرهای کوچک‌تر است که در آن شهرستان‌ها اشخاصی برای تامین و تعلیم آنها پیش‌بینی شده‌اند. این سربازان سرانجام و پس از دیدن همه این دوره‌ها به عراق، الجزایر یا افغانستان اعزام می‌شوند. سربازان برجسته نیز به خدمت در دوره‌های نظامی ارتش‌های مراکش یا الجزایر فرستاده می‌شوند. گروه‌های تروریستی اطمینان دارند که با این شگرد می‌توانند هر زمان که اراده کنند نظم ارتش‌های این کشورها را از

• استراتژی جدیدی که
• عناصر القاعده در
• جهان به کار
• گرفته‌اند، غربی کردن
• سربازان تازه
• استخدام است به
• نحوی که آنها را بهتر
• با کشورهای هدف
• همسان کنند

درون در هم بپاشند یا هر آسیبی را که لازم بدانند به ارتش‌های مذکور وارد کنند.

تمرکز بر عملیات‌های انتحاری و بمب‌های انفجاری

اعضای گروه تروریستی القاعده به چندین دسته تقسیم می‌شوند. گروهی کارهای تبلیغاتی انجام می‌دهند گروهی پیام‌های ویدیویی منتشر می‌کنند، گروهی مدیریت و سازمان دهی فعالیت‌های روزمره را بر عهده دارند و گروه‌های دیگری که هر یک بخشی از استراتژی میان‌مدت و بلندمدت این سازمان تروریستی را پیش می‌برند. اما بنابر تحلیل‌های صورت گرفته در سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی غرب، خطرناک‌ترین شاخه این سازمان تروریستی گروهی است که مسوولیت عملیات‌های انتحاری القاعده را بر عهده دارد. بنابر گزارش‌های منتشره، از اعضای این گروه به هیچ وجه در سایر عملیات‌های نظامی القاعده استفاده نمی‌شود. آنها فقط برای عملیات‌های انتحاری آموزش می‌بینند، عملیات‌هایی که بزرگترین کابوس سربازان نیروهای ائتلاف در عراق و افغانستان محسوب می‌شود.

آمار بمب‌گذاری‌های انتحاری در افغانستان به طرز هشداردهنده‌ای نشان می‌دهد که اگر عملیات‌های انتحاری با شدت فعلی ادامه یابد تعداد عملیات‌های انتحاری به وقوع پیوسته در این کشور در سال ۲۰۰۷ از سال گذشته میلادی بیشتر خواهد شد. این موضوع از آن جهت حایز اهمیت است که تا نیمه ژوئن سال ۲۰۰۶ حدوداً ۴۷ عملیات انتحاری در افغانستان اتفاق افتاد، ولی در طول همین دوره زمانی در سال جاری میلادی ۵۷ عملیات انتحاری اتفاق افتاده است. برای مثال در جریان یکی از مرگبارترین عملیات‌های انتحاری که اخیراً در نزدیکی یک مقر آموزش پلیس در کابل اتفاق افتاد، ۳۵ نفر کشته شدند. هنگامی که گسترش استفاده از بمب‌های انفجاری جاسازی شده (IED) و همچنین کشف اولین بمب انفجاری پرتاب شونده (EFP) در ماه می در افغانستان مورد بررسی قرار می‌گیرد، درک این موضوع امکان‌پذیر می‌گردد که چرا انتقادات از جنگ افغانستان روزه‌روز در حال افزایش است. پیش از این از بمب‌های انفجاری پرتاب شونده (EFP) فقط در عراق استفاده می‌شد، این همان بمبی است که جان بسیاری از سربازان نظامی آمریکا را در عراق گرفته و شدت خسارت آن بسیار بیشتر از بمب‌های کلاس IED است. ولی پیدا شدن اولین نمونه از این بمب‌ها در افغانستان نشان می‌دهد که القاعده با دستیابی به نسل جدیدی از بمب‌های مدرن، به زودی افغانستان را تبدیل به جهنمی

برای نیروهای ائتلاف خواهد کرد. به این ترتیب ارتش آمریکا که برای سقوط و نابود کردن دولت طالبان و پایگاه‌های القاعده در افغانستان تنها ۱۳ کشته داده بود، حالا باید سربازانش را به جنگ تروریست‌هایی بفرستد که از توان بسیار بالاتری قبل از آغاز جنگ برخوردار شده‌اند.

گسترش فعالیت‌های رسانه‌ای

اسامه بن لادن، رهبر القاعده در پیامی که در ماه گذشته به مناسبت ششمین سالگرد حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر منتشر کرد، بار دیگر توجه مردم غرب را به خود مشغول کرد، ولی آنچه در حال حاضر توجه سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا را به خود مشغول داشته چگونگی تهیه نوارهای ویدیویی و فعالیت شبکه‌های تبلیغاتی گروه القاعده است.

این موضوع از آنجایی حایز اهمیت است که کنترل فعالیت شبکه‌های ویدیویی القاعده توسط سرویس‌های اطلاعاتی غرب نشان داده که اعضای واحد فیلم‌سازی القاعده علی‌رغم اینکه از استودیوی ثابتی برخوردار نیستند، در طول سال‌های گذشته به شدت بر فعالیت تبلیغاتی خودافزوده‌اند. تحلیلگران آمریکایی بر این باورند که تعدادی از کارشناسان کارکنان کامپیوتری القاعده از طریق فعالیت در خانه‌هایی که از آنها به عنوان مکانی برای تولید فیلم‌های ویدیویی با کیفیت و با فرمت‌های متفاوت استفاده می‌شود و با تولید فیلم‌های ویدیویی هر سه روز یک بار، در حال هدایت استراتژی تبلیغاتی اینترنتی القاعده هستند. برای مثال موسسه "السحاب" به عنوان شاخه (بازوی) رسانه‌ای القاعده که پیام ویدیویی اسامه بن لادن را به مناسبت ششمین سالگرد حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر پخش کرد، یکی از موسساتی است که در کانون توجهات بین‌المللی قرار دارد. ولی مساله این است که اطلاعات کمی در خصوص این انستیتو یا چگونگی فعالیت آن وجود دارد و وجود آن تبدیل به مساله غامضی برای سرویس‌های اطلاعاتی غرب شده است. در همین حال بستن شبکه‌های حیاتی این انستیتو مشکل است و از سوی دیگر اجازه دادن به ادامه یافتن فعالیت این انستیتو بهترین فرصت برای پیدا کردن مکان اختفای بن لادن است.

بنابر اظهارات روسای موسسه امنیتی "اینتل سنتر" که پیگیری و تحلیل پیام‌های صوتی و تصویری القاعده برای سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا را بر عهده دارد، انستیتوی السحاب در طول سال جاری میلادی بیش از ۷۵ پیغام ویدیویی منتشر ساخته که میانگین آن هر سه روز یک بار می‌شود. بنابر اطلاعات موجود انستیتو السحاب در طول آغاز فعالیت خود در سال ۲۰۰۵ تنها ۱۶

پیغام ویدیویی منتشر ساخته در سال ۲۰۰۶ این آمار را به ۵۸ پیغام ویدیویی رساند و تا این زمان که هنوز چند ماه از سال ۲۰۰۷ باقی مانده بیش از ۷۵ پیغام ویدیویی منتشر کرده است. فیلم‌های ویدیویی منتشر شده متشکل از پیام‌ها و مصاحبه‌های رهبران القاعده و همچنین فیلم‌های تبلیغاتی است که توسط شورشیان در عراق و افغانستان ساخته شده‌اند. ولی موضوعی که گیج‌کننده می‌باشد این است که تقریباً تمام این فیلم‌ها به صورت همزمان و در انواع گوناگونی از فرمت‌های کامپیوتری ارائه شده‌اند. در همین خصوص "پیتز برگن" از تحلیلگران مسایل مربوط به القاعده می‌گوید: "مقیاس عظیم فعالیت‌های این انستیتو این مطلب را می‌رساند که تعداد زیادی از افراد حرفه‌ای و آموزش دیده به طور ثابت در حال فعالیت هستند". برگن در ادامه اظهارات خود می‌افزاید: "من شک دارم که این گروه پایگاهی مرکزی برای خود داشته باشند که شما بتوانید مکان آن را از طریق عکس‌های ماهواره‌ای پیدا کنید".

"بن و نرک" از مدیران موسسه امنیتی "اینتل سنتر" نیز در این خصوص می‌گوید: "برای تبدیل همزمان فیلم‌ها به فرمت‌های کامپیوتری گوناگون به تعداد بسیار زیادی کامپیوتر نیازمند است و به نظر می‌رسد این گروه از آخرین سخت‌افزارهای کامپیوتری و برنامه‌های نرم‌افزاری روز موجود در بازار استفاده می‌نماید". و نرک در ادامه اظهارات خود می‌افزاید: "کارشناسان القاعده در مسیر استفاده از آخرین تکنولوژی‌ها گام بر می‌دارند و به محض ورود یک تکنولوژی جدید به بازار، شروع به استفاده کردن از آن می‌نمایند". بنابر این گزارش پیغام ویدیویی اخیر اسامه بن لادن در ۵ فرمت مختلف قابل دسترسی بوده و حتی امکان دانلود آن بر روی گوشی‌های تلفن همراه و کامپیوترهای جیبی همراه وجود داشته است. این در حالی است که امکان دانلود این پیام ویدیویی از ۲۰ سایت اینترنتی متفاوت وجود داشته و حتی این گروه اقدام به تولید پیام‌های ترجمه شده بن لادن به زبان‌های مختلف کرده که هر کدام از آنها از گرافیک متفاوتی برخوردار بوده‌اند. به باور کارشناسان انتشار پیغام‌های بن لادن به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، دانمارکی و بسیاری از زبان‌های دیگر، به موضوع دیگر به جز پیام‌ها اشاره می‌کند و آن این است که آنها غرب را هدف گرفته‌اند.

کدام یک در جنگ اندیشه‌ها بازنده‌اند؟

پرشش عجیب و مهمی که در خصوص تلاش‌های دولت جرج بوش رییس جمهوری آمریکا در عراق و جنگ با القاعده وجود دارد این است که این دولت

که از افراد برجسته و خبره‌ای برخوردار بوده و هست چگونه علی‌رغم غلبه بر مخالفان داخلی در جریان انتخابات ریاست جمهوری از غلبه بر مخالفان خارجی‌اش ناتوان است؟ چگونه بوش توانست در جریان انتخابات، "جان کری" و "مکس کلیند" دو تن از قهرمانان جنگ ویتنام را به سرعت پشت سر بگذارد و توجه عمومی را در ادعای جنگ با تروریسم به سوی خود جلب کند در حالی



که هنوز از غلبه بر اسامه بن لادن ناتوان است؟ پاسخ نه چندان مشکلی که برای این پرسش‌ها می‌توان برشمرد این است که با هر کسی که در اروپا، آسیا، آفریقا و حتی خود آمریکا در خصوص آمریکا گفت‌وگو کنی، در کمتر از ۳۰ ثانیه رسوایی‌هایی را که آمریکا در زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب به بار آورده، برایت بازگو می‌کند. واقعیت این است که رسوایی‌های آمریکا در این دو زندان به بهانه مبارزه با تروریسم جایگاه این کشور را در جهان متزلزل ساخت. اقدامات مسوولان آمریکایی در زندان‌های یادشده، حرکت‌ها و اقدامات فجیعی را که طرفداران القاعده مرتکب می‌شوند تحت الشعاع قرار داده و توجهات عمومی بیش از آنکه به سوی فعالیت‌های تروریستی القاعده جلب شود، متوجه شکنجه‌هایی شد که مسوولان آمریکایی در زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب مرتکب شده‌اند.

برای مثال در اقدام وحشتناک تروریستی ۱۴ آگوست سال جاری چهار تروریست انتحاری با منفجر کردن خود در دو روستای کردنشین عراق، بیش از ۵۰۰ مرد، زن و کودک را به کام مرگ فرستادند. اما واکنش تیم دولت بوش به این واقعه و وقایعی از این قبیل در عراق چیست؟ واکنش‌های کاخ سفید به این حوادث در عراق با سکوت فرقی نداشت و ندارد. از جمله پس از واقعه تروریستی مذکور در کردستان عراق، تنها یک سخنگوی ارتش آمریکا از طریق سایت گوگل اعلام کرد به عقیده ما گروه القاعده متهم اصلی در این انفجارها

است. حال با توجه به این گونه واکنش‌های آمریکا باید از مسوولان کاخ سفید سوال کرد که اصلاً شما برای چه هدفی در عراق می‌جنگید و به چه منظوری جنگی گسترده با تروریسم را آغاز کرده‌اید؟ آیا تنها برای این است که اعلام کنید این گونه انفجارها و اقدامات تروریستی کار القاعده است؟ حتی اگر نتوانیم مسوولان اصلی ارتکاب چنین جنایت‌هایی را پیدا کنیم در هر حال می‌دانیم که گروه القاعده و رهبر آن بن لادن مرتکب چنین اقداماتی می‌شوند. حتی اگر بن لادن به همراه جرج بوش وارد رقابت‌های انتخاباتی آمریکا شده بود، باز هم بن لادن متهم اصلی این جنایت‌ها بود. بنابراین نیازی نیست که مسوولان نظامی و سیاسی آمریکاییان به صادر کنند و در پی هر انفجار تروریستی در عراق یا افغانستان القاعده را مسوول آن معرفی کنند زیرا هر فرد عادی حتی اگر غیر نظامی و غیر سیاسی هم باشد به وضوح می‌داند که بن لادن و طرفدارانش خون مردم عراق و دیگران را می‌ریزند. اما اقدامات آمریکا موجب شده است بن لادن و بازوی راستش "ایمن الظواهری" یا به عبارتی "مرد شماره ۲ القاعده" بتوانند به آرزوی خود برسند. آرزوی آن دو و البته تلاش‌شان این است که لقب مقاومت را با خود یکدک بکشند نه لقب خون آشام یا عاملان کشتار جمعی را، زیرا آنها می‌خواهند بدین طریق چهره خود را پاک جلوه داده و طرفداران بیشتری را به سوی صفوف خود بکشانند.

در عین حال به رغم آن که برخی سنی‌های عراق به دلیل تهدیدات مستقیم از سوی طرفداران القاعده، رودرروی این گروه قرار گرفته‌اند، دیدگاه غالب در کشورهای عربی و اسلامی بر آن است که در جنگ تبلیغاتی و مصاف بوش و بن لادن با یکدیگر، بن لادن غلبه پیدا کرده است، زیرا بوش اگرچه در عرصه داخلی توانست بر افراد برجسته‌ای چون کری و کلیند غلبه کند، اما در عرصه روابط عمومی نتوانست این توفیق را به دست آورد. چندی قبل یک نظرسنجی در میان برخی روزنامه‌نگاران و خبرنگاران عربی به عمل آمد و در این خصوص که چهره بوش مقبول‌تر و مردم‌تر است یا بن لادن، همگی متفق القول بودند که بوش نمی‌تواند در این خصوص با بن لادن رقابت کند زیرا یک تفاوت اساسی میان آن دو وجود دارد و آن اینکه دوران حاکمیت بوش رو به پایان است در حالی که بن لادن همچنان به رهبری خود بر القاعده ادامه می‌دهد. اکنون که بوش در جنگ روابط عمومی یا بهتر بگوئیم در جنگ اندیشه‌ها در برابر بن لادن باخته است، باید این سوال را مطرح کرد که آیا باید جنگ دیگری همچون عراق اتفاق می‌افتاد تا آمریکا این بار در جنگ اندیشه‌ها بر القاعده پیروز شود؟